





اثربخشی توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در زوجین در معرض طلاق

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
استادیار گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

بیبا آگاهی 

محسن گل‌پرور* 

هادی فرهادی 

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱ | ایمیل نویسنده مسئول:

drmgolparvar@gmail.com

چکیده

هدف: هدف این پژوهش تعیین اثربخشی توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در زوجین در معرض طلاق بود. **روش پژوهش:** این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه و پیگیری دو ماهه بود. جامعه آماری زوجین در معرض طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره طلاق شهر اصفهان بودند. از این بین، ۴۰ زوج به شیوه هدفمند بر مبنای ملاک‌های ورود انتخاب و سپس به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و گروه گواه (هر گروه ۲۰ زوج) جایگزین شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) و پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی کوئین‌دام (۲۰۰۴) بود. گروه آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی طی ده جلسه از طریق بسته آموزشی تدوین شده تحت آموزش قرار گرفتند. داده‌ها از طریق تحلیل واریانس اندازه‌های تکرار شده تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر افزایش سطح تعهد ($F=186/70$; $P=0/001$) و مهارت‌های ارتباطی ($F=20/56$; $P=0/001$) اثربخش است؛ و این اثربخشی در مرحله پیگیری پایدار بوده است. **نتیجه‌گیری:** با توجه به اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر ارتقاء تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی زوج‌های در آستانه طلاق، می‌توان این آموزش تلفیقی را در مراکز مشاوره روان‌شناختی طلاق استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: توانبخشی، آموزش روان‌شناختی، تعهد زناشویی، مهارت‌های ارتباطی، زوج‌های در معرض طلاق

فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۲ پیاپی ۱۱ | ۲۶۴-۲۸۴

تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(آگاهی، گل‌پرور و فرهادی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

آگاهی، بیبا، گل‌پرور، محسن، و فرهادی، هادی. (۱۴۰۱). اثربخشی توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در زوجین در معرض طلاق. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۲) پیاپی (۱۱): ۲۶۴-۲۸۴.

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده‌ای با کارکردهای سالم روانی، اجتماعی و معنوی در همه جوامع از مهمترین اهداف و پدیده‌ها است. به باور بسیاری از اندیشمندان عرصه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، خانواده پویا، کارآمد و توانمند، تضمین‌کننده پرورش نسلی پویا و توانمند و به تبع آن پایه و اساسی برای یک جامعه پویا، توانمند و کارآمد تلقی می‌شود (فراسر، پرنس، والتاک و هانتز، ۲۰۲۱). علی‌رغم چنین نقش‌ها و کارکردهای برجسته، خانواده مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر، در مواقعی با تهدید، آفت و آسیب مواجه می‌شود. یکی از تهدیدهای مطرح در حوزه فروپاشی خانواده، تمایل به جدایی و طلاق و به دنبال آن وقوع پدیده طلاق است. طلاق و تمایل به آن، بدون اغراق از محورها و موضوعات بسیار مورد توجه و پرتکرار در گذشته و حال بوده و در آینده نیز به نظر می‌رسد کماکان مطالعات متمرکز بر طلاق، جایگاه برجسته و پرتکراری داشته باشند (پارکر، دورانتی، هیل و هسلتون، ۲۰۲۱). نگاهی به نوسانات شیوع طلاق در جوامع مختلف، خود نوعی حمایت برای نیاز به تداوم مطالعات علمی بر روی این پدیده است. شواهد قابل تکراری طی سال‌های اخیر نشان داده علی‌رغم تمام تلاش‌های ارزشمند صورت گرفته در کشورهای مختلف طی سالیان متمادی، این تلاش‌ها تاکنون در مواردی قادر به جلوگیری از افزایش شیوع طلاق‌های آسیب‌زا نبوده است (آماتو، ۲۰۱۰؛ میکولای، کولا، ویدال، وندروایل و مولدر، ۲۰۱۹). بالاخص برخی شواهد در دسترس حکایت از آن دارد که میل به طلاق و جدایی، به عنوان میزان میل و علاقه زوج‌ها برای جدا شدن و پایان دادن به روابط زناشویی خود که متشکل از ابعاد شناختی (انتظارات و تصویر در مورد طلاق و پیامدهای آن)، عاطفی (طیفی از عواطف و هیجان‌های مثبت و منفی مربوط به جدایی و طلاق) و رفتاری (آمادگی رفتاری و عملی فرد برای درگیر شدن در فرایند جدایی و طلاق) است (یوسفی‌مریدانی، فلاحیان، و میکایلی، ۱۳۹۸)، برخی روندهای افزایشی نگران‌کننده را نشان می‌دهد (عباس‌زاده، سعیدی عطایی و افشاری، ۱۳۹۴).

فراتر از نکات مورد اشاره، پیچیدگی و پویایی چندعاملی بودن پدیده طلاق و تمایل به جدایی (عرب، ابراهیم-زاده پزشکی و مروتی شریف‌آبادی، ۱۳۹۳؛ فیروزجائیان گلوگاه، صادقی، جان محمدی لرگانی و لطفی، ۱۳۹۷)، وجود تفاوت‌های فردی در حال تغییر دائمی در نگرش‌ها به ازدواج و طلاق (حسنی، هدایتی و محمدزاده، ۱۳۹۶؛ فروتن و میرزایی، ۱۳۹۵؛ آروچو و پرتل، ۲۰۲۰؛ چیانگ و پارک، ۲۰۲۱؛ دیکونینک، ون‌دورن و ماتیس، ۲۰۲۱)، تحولات بسیار سریع در برخی ارزش‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف که گاهی بر اثر رخدادها و تحولات ناگهانی و پرسرعت اتفاق می‌افتد (اسکافی نوقانی، گرگیچ و حجتی شرق، ۲۰۲۱؛ اولیچ، لاگین‌بوئل و شوئی، ۲۰۲۱؛ بشچتنووا، فامینا، شامینووا اسکایا، سازیکوا، کارپونیا و کنستانینوا، ۲۰۲۱)، پیوندهای پیچیده طلاق و تمایل به جدایی با طیف متغیرهای مختلف در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی (زارعان و سدیدپور، ۱۳۹۵؛ عدل‌پرور، صفائی‌راد، عرفانی و جدیدی، ۱۴۰۰؛ اسپایکیک و مورتلمانز، ۲۰۲۱؛ اسکافی نوقانی و همکاران، ۲۰۲۱؛ کمر و فیزان، ۲۰۲۱)، همراه با نیاز به تمرکز روزآمد بر سازگاری پس از طلاق‌های اجتناب‌ناپذیر (قدیمی‌آزاد، امامی سیکارودی، بوستانی خالصی و کاظم‌نژاد لیلی، ۲۰۲۱؛ ون‌دایک، وندروالک، دکوویچ و برانجی، ۲۰۲۱)، همگی حفظ و تداوم نگاه روزآمد علمی متناسب با شرایط و نیازهای جدید معطوف به تمایل به جدایی و طلاق را در مجامع علمی و آکادمیکی محرز می‌سازد. از میان طیف متغیرهای مختلف مرتبط با پایداری و یا شکنندگی روابط زناشویی و تمایل به جدایی و طلاق در سطح شناختی، رفتاری و عاطفی، تعهد زناشویی (زارع و صفیاری جعفرآباد، ۱۳۹۴؛

فلاحیان، میکایلی، و یوسفی مریدانی، ۱۳۹۸) و مهارت‌های ارتباطی (خسروی، مرادی، احمدیان و یوسفی، ۱۳۹۸؛ محمودزاده مرقی، میراسکندری و فرید، ۱۴۰۰؛ نبیئی، حسینی، کاکابرایی و امیری، ۱۳۹۹) از جایگاه ارزشمند و با اهمیتی برخوردار هستند.

تعهد زناشویی تمایل زوجین برای حفظ ازدواج و وفادار بودن به همسر، خانواده و ارزش‌ها تلقی می‌شود که از منظر ابعادی، در قالب تعهد شخصی مبتنی بر جذابیت‌های ازدواج، تعهد اخلاقی و هنجاری مبتنی بر مسئولیت‌پذیری در حفظ ازدواج و تعهد مبتنی بر محدودیت‌ها و برخی اجبارهای روانی و اجتماعی در بسیاری از مطالعات صورت‌بندی و بررسی شده است (مهرپویا، جاجرمی و علیزاده موسوی، ۲۰۲۲؛ هو، جیانگ و وانگ، ۲۰۱۹). تعهد زناشویی در بسیاری موارد، حس الزام به حفظ ازدواج به عنوان وظیفه اخلاقی یا اجتماعی را در زوج‌ها تقویت نموده و از این طریق موجب کاهش تمایل به طلاق و جدایی و تلاش برای ارتقاء کیفیت روابط زناشویی می‌شود (مرتضایی و رضازاده، ۱۳۹۹). مطالعات نشان می‌دهند که سطح پایین تعهد زناشویی در ازدواج می‌تواند به عدم رضایت و طلاق منجر شود (مهرپویا و همکاران، ۲۰۲۲). از طرف دیگر تعهد زناشویی همچنین با مهارت‌های ارتباطی و توان رفع نیازهای زوجین در روابط خود با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸). مهارت‌های ارتباطی شامل طیف متنوعی از مهارت‌های برقراری رابطه مثبت و سازنده مبتنی بر احترام متقابل و معطوف به تامین نیازها را می‌گویند (محمودزاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰). شواهد در دسترس حاکی از آن است که وجود مهارت‌های ارتباطی مثبت و سازنده در بین زوجین زمینه‌ساز رضایت هر چه بیشتر از زندگی زناشویی و ضعیف بودن این مهارت‌ها یکی از رایجترین شکایات و دلایلی است که زوج‌های دارای تعارض و یا زوج‌های متمایل به جدایی و طلاق از آن به عنوان مبنای تصمیم به جدایی و طلاق خود از آن یاد می‌کنند (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹؛ آبرو-آفونسو، راموس، کوپروز-گارسیا و لیل، ۲۰۲۱).

اهمیت و نقش تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در ارتقاء کیفیت زناشویی در کنار این واقعیت که در میان زوج‌ها، حتی در زوج‌های عادی در کنار زوج‌های متعارض و مایل به طلاق و جدایی، در یکی از زوجین یا هر دو شاخص‌های این دو متغیر مهم اغلب در شرایط نامناسبی هستند (جمعه‌نیا، نظری و سلیمانیان، ۱۴۰۰؛ بلانچارد، هاوکینز، بالدوین و فاوست، ۲۰۰۹)، موجب گردیده تا تلاش‌های زیادی در جهت استفاده از مداخله‌های توانبخشی و آموزشی برای زوج‌های در حال طلاق در ایران و در دیگر کشورها انجام شود. در مطالعات گذشته اثربخشی طیف متنوع و گسترده‌ای از مداخله‌های آموزشی و درمانی نظیر اثربخشی آموزش شناختی و رفتاری بر تعهد زناشویی زوج‌های در معرض طلاق (نجمی، درتاج و سعادت‌شامیر، ۱۳۹۷)، اثربخشی درمان هیجان‌مدار و واقعیت‌درمانی بر تعهد اجتماعی زوجین در معرض طلاق (گودرزی، کیخسروانی، دیره و گنجی، ۱۳۹۹؛ گودرزی و همکاران، ۲۰۲۰)، اثربخشی زوج‌درمانی به روش تحلیل رفتار متقابل بر تعهد زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی (احمدزاده اقدم، کریمی‌ثانی، گودرزی و مرادی، ۱۴۰۰)، اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر طرحواره درمانی بر کیفیت رابطه زناشویی زوج‌های متقاضی طلاق (نامنی، سعادت، کشاورز افشار و عسکراآبادی، ۱۳۹۸)، اثربخشی آموزش ازدواج و رابطه بر مهارت‌های ارتباطی زوج‌ها (بلانچارد و همکاران، ۲۰۰۹) و اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر شفافیت ارتباط زناشویی (مشتاقی، اصغرنژاد فرید و احقر، ۱۳۹۹) گزارش شده است. مطالعات

مورد اشاره مطالعاتی بوده که جامعه هدف آن زوج‌های متقاضی طلاق و دارای تعارض و متغیرهای تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی به نوعی در آن‌ها وجود داشته است. شمار زیادی از مطالعات نیز وجود دارد که بر متغیرهایی به جز تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی و یا بر جامعه هدف زوج‌های عادی و در مواردی متعارض تمرکز داشته‌اند. این مطالعات، به دلیل تفاوت نسبی متغیرها و جامعه هدف، مورد اشاره قرار نگرفته‌اند.

در مجموع، نگاهی به مطالعات ارائه شده حاکی از آن است که تاکنون طیف متنوعی از آموزش‌های ارتقاء رابطه، اصلاح و تعدیل هیجان‌ها، تمرکز بر واقعیت‌های زندگی زناشویی، اصلاح و تعدیل رفتارها و شناخت‌های ناکارآمد و آسیب‌زا همراه با اصلاح و تعدیل طرحواره‌های نا سازگار، معیوب و آسیب‌زا برای ارتقاء تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی زوج‌های در معرض طلاق برای یاری آن‌ها به حفظ پیوند زناشویی، استفاده شده است. در کنار این نتایج، تاکیدات صورت گرفته بر آموزش‌های تلفیقی و جامع که همزمان بر نتایج پژوهش‌های قبلی مربوط به متغیرهای ارتقادهنده روابط زناشویی با کیفیت و متغیرهای ضروری برای حفظ پیوند زناشویی نظیر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی کارآمدتر، متمرکز باشند، طی سال‌های اخیر، به تدریج در حال افزایش است (برکات، امینی، دیره و شفیع‌آبادی، ۱۴۰۰). این تاکید بر استفاده از نتایج پژوهش‌های قبلی در حوزه متغیرهای مربوط به تمایل به جدایی و طلاق همراه با متغیرهای مثبت و یا منفی مرتبط با تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی برای غنای نسبی مطالعات مداخله‌ای روزآمد، از ضرورت‌هایی است که در جامعه علمی در ایران نیز لازم است مورد توجه قرار گیرد. تمرکز جامع بر طیف متنوعی از متغیرهای مرتبط با تمایل به جدایی و نیازهای آموزشی زوج‌های در حال طلاق، در بسته توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی مطالعه حاضر، بعد متفاوت مطالعه حاضر و پاسخی به نیازها و شرایط مورد اشاره بوده است. متغیرهای توانمندساز روانی و اجتماعی قابل آموزش در بسته آموزشی ارائه شده در مطالعه حاضر، شامل مهارت‌های ارتباطی، رضایت زناشویی، طرحواره‌های روان‌شناختی، شناخت و مواجهه کارآمد با تعارضات زناشویی، صمیمیت، تعهد زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی، مهارت‌های زندگی، پرهیز از خشونت خانگی، هوش هیجانی و هوش معنوی هستند. انتخاب محورهای موضوعی و آموزشی مورد اشاره برای بسته آموزشی توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی به واسطه پیوندی که هر یک از متغیرهای مهارت‌های ارتباطی (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمودزاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نبیئی و همکاران، ۱۳۹۹)، رضایت زناشویی (صادقی، زنجری و محمودیانی، ۱۳۹۷)، تعارضات زناشویی (عرب و همکاران، ۱۳۹۳)، خشونت خانگی (زارغان و همکاران، ۱۳۹۵)، طرحواره‌های روان‌شناختی (عدل‌پرور و همکاران، ۱۴۰۰؛ مهرپویا و همکاران، ۲۰۲۲)، صمیمیت (نبیئی و همکاران، ۱۳۹۹)، تعهد زناشویی (ویتون، استنلی، مارکمن و جانسون، ۲۰۱۳)، مهارت‌های زندگی (جلیلی، نجار، نظامی‌وند چگینی و یارعلی‌زاده، ۲۰۱۷)، سلامت و بهزیستی روان‌شناختی (اسبارا، هسلمو و بوراسا، ۲۰۱۵) و هوش هیجانی و معنوی (محسنیان، کرملو و گنجوی، ۱۳۸۶؛ شیرزادی، خاکپور و خدابخشی کولایی، ۲۰۲۱) با میل به جدایی و طلاق داشته، بوده است. متغیرهای مطرح و استفاده شده در بسته توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی زوج‌های در متمایل یا متقاضی طلاق در پژوهش حاضر، مهمترین و پرتکرارترین متغیرهای قابل آموزش مرتبط با تمایل به طلاق و جدایی هستند.

علاوه بر موارد زیربنایی مربوط به چرایی استفاده از بسته توانمندی روان‌شناختی تلفیقی در مطالعه حاضر که مبتنی بر مهم‌ترین همبسته‌های میل به طلاق و جدایی بوده، از این واقعیت نیز نباید غفلت نمود که پدیده‌هایی نظیر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی پدیده‌هایی چندوجهی و نیازمند طیف متنوعی از مهارت‌های ارتباطی، هیجانی، شناختی، عاطفی و رفتاری هستند (محمودزاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰؛ مهرپویا و همکاران، ۲۰۲۲؛ هو و همکاران، ۲۰۱۹). بر همین مبنا نیز طی سال‌های اخیر به تدریج تمایل و علاقه به آموزش‌های تلفیقی و یکپارچه در حوزه پیشگیری از تمایل به طلاق و جدایی افزایش داشته است (مرادی و چارداولی، ۱۳۹۵؛ حاتمی، حیدری و داودی، ۱۳۹۹؛ حیدری، قمری، جعفری و آرمانی کیان، ۲۰۲۱). بنابراین، مطالعه حاضر مسیر رفع خلاء دانش علمی و کاربردی را در راستای به کارگیری نتایج پژوهش‌های قبلی در قالبی کاربردی دنبال نموده و درصدد گشودن مسیرهای استفاده کاربردی هر چه بیشتر از نتایج مطالعات علمی از طریق امکان یکپارچه سازی نتایج آن‌ها بوده است. بنابراین هدف مطالعه حاضر تعیین اثربخشی توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در زوج‌های در حال طلاق و در راستای رفع خلاء پژوهشی اشاره شده در مسیر پاسخ به دو سوال زیر بوده است.

۱. آیا آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی در زوج‌های در حال طلاق اثربخش است؟
۲. آیا آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر مهارت‌های ارتباطی در زوج‌های در حال طلاق اثربخش است؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نظر روش، با توجه به استفاده از نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب زوج‌های در حال طلاق، یک پژوهش نیمه آزمایشی و دارای طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری دو ماهه بود که طی آن اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی زوج‌های در معرض طلاق در شهر اصفهان بررسی گردیده است. جامعه آماری زوج‌های در معرض طلاق در پائیز و زمستان سال ۱۳۹۸ در شهر اصفهان بودند که برای انجام جلسات مشاوره از طرف دادگستری به مراکز مشاوره روان‌شناختی ارجاع داده شدند. از میان زوج‌های ارجاع شده، ۴۰ زوج، به روش نمونه‌گیری هدفمند بر مبنای ملاک‌های ورود، با در نظر گرفتن ۲۰ زوج برای هر یک از دو گروه آزمایش و گواه، انتخاب و سپس به روش تصادفی ساده (قرعه‌کشی) در دو گروه گمارده شدند. معیارهای ورود شامل موافقت برای شرکت در پژوهش، پذیرش و تعهد نسبت به اصول و قواعد گروهی آموزش (از طریق امضاء موافقت‌نامه بین پژوهشگر با شرکت‌کنندگان)، عدم ابتلا قبل از دوره آموزش به اختلالات روان‌شناختی نظیر افسردگی، اضطراب و بیماری دو قطبی و یا اختلالات مزمن نظیر انواعی از روان‌پریشی‌ها (که از طریق انجام مصاحبه در خصوص علائم اختلال‌های مورد اشاره با تک تک شرکت‌کنندگان قبل از شروع آموزش بررسی می‌گردید)، قرار نداشتن تحت درمان‌های روانپزشکی (دارو درمانی که از طریق مصاحبه با شرکت‌کنندگان از آن‌ها سوال می‌شد)، و معیارهای خروج نیز شامل غیبت بیش از دو جلسه در دوره آموزش و قرار داشتن تحت درمان‌های روانپزشکی (دارو درمانی) بودند. علاوه بر دریافت رضایت‌نامه کتبی و هماهنگی کامل با مراکز مشاوره روان‌شناختی، رازداری کامل نسبت به اطلاعات شرکت‌کنندگان، استفاده داده‌ها فقط در راستای اهداف پژوهش، آزادی کامل برای انصراف از ادامه پژوهش و اطلاع‌رسانی دقیق در صورت درخواست

شرکت کنندگان از نتایج، همراه با آموزش گروه گواه پس از اتمام آموزش گروه آزمایش، اصول اخلاقی رعایت شده در این مطالعه بود.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه تعهد زناشویی. برای سنجش تعهد زناشویی پرسشنامه ۴۴ سؤالی آدامز و جونز (۱۹۹۷) که سه حوزه تعهد شخصی (جذابیت ازدواج)، تعهد اخلاقی و هنجاری (مسئولیت‌پذیری در حفظ ازدواج) و تعهد مبتنی بر محدودیت‌ها (تعهد مبتنی بر ترس از هزینه‌های مالی، اجتماعی و هیجانی پایان دادن به ازدواج) را پوشش می‌دهد، استفاده شد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، نه موافق و نه مخالف=۳، موافق=۴ و کاملاً موافق=۵ انجام می‌شود. از مجموع امتیازات کل سوالات، تعهد زناشویی کلی که در دامنه ۴۴ تا ۲۲۰ نوسان می‌کند، به دست می‌آید. افزایش نمرات به معنای افزایش سطح تعهد کلی است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) طی شش مطالعه و با نمونه‌ای برابر با ۱۷۸۷ نفر از طریق بررسی همبستگی امتیازات سوالات با ابعاد مطرح و نمره کل پرسشنامه روایی این پرسشنامه را مستند نموده و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ را برای پرسشنامه گزارش نموده‌اند (آدامز و جونز، ۱۹۹۷). در ایران این پرسشنامه در مطالعات زیادی مورد استفاده قرار گرفته و شواهد مطلوبی برای روایی و پایایی آن گزارش شده است. برای نمونه حسینی، زهراکار، داورنیا، شاکرمی و محمدی (۱۳۹۴) در یک مطالعه در ایران به عنوان شواهدی از روایی همگرا و واگرای این پرسشنامه، بین تعهد زناشویی با سه ویژگی شخصیتی برون-گرایی، سازگاری (توافق‌جویی) و مسئولیت‌پذیری رابطه‌ی مثبت و معنادار و با روان‌رنجورخویی و گشودگی به تجربه رابطه منفی و معنادار و آلفای کرونباخ پرسشنامه را نیز برابر با ۰/۸۷ گزارش نمودند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۰ به دست آمد.

۲. پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی. برای سنجش مهارت‌های ارتباطی پرسشنامه ۳۴ سؤالی کوئین دام (۲۰۰۴) که پنج حوزه بیان کلامی، مدیریت هیجانی، مهارت گوش دادن، بینش نسبت به ارتباط و ابراز وجود را پوشش می‌دهد، استفاده شد (به نقل از حسن چاری و فداکار داورانی، ۱۳۸۴). نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای شامل هرگز=۱ تا همیشه=۵ است. از مجموع امتیازات کل سوالات این پرسشنامه نمره کلی مهارت‌های ارتباطی که در دامنه ۳۴ تا ۱۷۰ نوسان می‌کند، به دست می‌آید. افزایش نمرات به معنای افزایش سطح مهارت‌های ارتباطی کلی است. روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عامل اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس مستند و تایید شده و آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۶۹ (در دانشجویان برابر با ۰/۷۱ و در دانش آموزان دبیرستانی برابر با ۰/۶۶)، و ضریب تنصیف (دو نیمه آزمون) نیز برابر با ۰/۷۱ به دست آمده است (حسن چاری و فداکار داورانی، ۱۳۸۴). باقری، پورمیرزایی و فضیلت پور (۱۳۹۷) در شواهدی جدیدتر، به عنوان شواهدی از روایی همگرای این پرسشنامه، بین امتیازات حاصل از پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی کوئین دام و مقیاس مهارت‌های ارتباطی مولوی همبستگی مثبت و معناداری را گزارش نمودند (باقری و همکاران، ۱۳۹۷). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۵ به دست آمد.

۳. آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی. بسته آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی، برای اولین بار برای این پژوهش، بر اساس اجرای یک مرور نظام‌دار گسترده در حوزه متغیرهای روان‌شناختی قابل

آموزش مرتبط با تمایل به جدایی و طلاق در مقالات و پایان‌نامه‌ها (بیش از ۱۰۰ منبع در این بخش مورد استفاده قرار گرفته است)، سپس استخراج پرتکرارترین و مرتبط‌ترین متغیرهای همبسته مورد اشاره، شامل تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار، رضایت زناشویی، مهارت‌های زندگی، بهزیستی روان‌شناختی، هوش معنوی، هوش هیجانی، خشونت علیه زنان، حل تعارض و مهارت‌های ارتباطی، تهیه و تدوین شده است. پس از استخراج و مشخص نمودن مهمترین متغیرهای همبسته با تمایل به جدایی و طلاق، پیش از شروع تدوین بسته آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی، مدل مسیر کمی بین تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار، رضایت زناشویی، مهارت‌های زندگی، بهزیستی روان‌شناختی، هوش معنوی، هوش هیجانی، خشونت علیه زنان، حل تعارض و مهارت‌های ارتباطی با تمایل به طلاق و جدایی در یک نمونه ۲۷۵ نفری از زوج‌های در حال طلاق اجرا، و پس از کسب اطمینان از برازش مدل مسیر متغیرهای یازده‌گانه مورد اشاره با تمایل به جدایی و طلاق، از طریق تحلیل محتوای متعارف، فنون مورد نیاز برای آموزش متغیرهای یازده‌گانه مطرح شده در مدل کمی استخراج گردید. سپس بر اساس بالاترین میزان ارتباط به دست آمده در مدل مسیر بین یازده متغیر با تمایل به جدایی و طلاق و همچنین بر مبنای نظرات یک گروه تخصصی شامل شش روان‌شناس متخصص، بسته آموزش توانبخشی تلفیقی به صورت اولیه تدوین شد. در راستای سنجش روایی این بسته آموزشی تدوین شده، و به منظور مشخص شدن نقاط قوت و ضعف احتمالی محتوا و زمان اختصاص یافته به هر یک از فنون و راهبردهای مطرح، اثربخشی بسته آموزشی تدوین شده، طی یک مطالعه مقدماتی (پایلوت) بر متغیرهای تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در قالب طرح تک گروهی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و بر روی شش زوج داوطلب در طی چهار هفته اجرا شد. نتایج نشان داد که بسته تدوین شده به صورت مقدماتی و اولیه دارای اثربخشی معنادار بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی است. همچنین روایی تخصصی بسته توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی، فرم ارزیابی محتوا، فرایند، زمان، کفایت محتوایی و کفایت کلی بسته آموزشی در قالب پنج سوال با پنج گزینه بسیار مناسب است=۵ تا بسیار نامناسب است=۱ در اختیار شش داور متخصص روان‌شناس دارای سابقه تدریس و آموزش و درمان زوجی قرار گرفت تا پس از مطالعه کامل بسته آموزشی، در هر یک از پنج سوال، نظر خود را اعلام نمایند. ضریب کاپای کوهن به عنوان ضریب توافق شش داور، در مورد محتوا، زمان، ساختار و کفایت بسته آموزشی بین ۰/۹ تا ۰/۹۵ و توافق کلی در باره مناسب بودن بسته آموزشی برای اجرا بر روی زوج‌های در معرض طلاق برابر با ۰/۹۲ به دست آمد. مجموعه شواهد معطوف به روایی درونی و روایی محتوایی تخصصی اشاره شده، نشان داد که بسته آموزشی تهیه شده آماده اجرا است. خلاصه جلسات آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه جلسات توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی

جلسه	هدف	محتوای جلسه
اول	آشنایی مقدماتی، آموزش راهبردها و فنون حل تعارضات زناشویی	آشنایی، معرفی برنامه و بیان اصول قوانین مقررات، اجرای پیش-آزمون، تعریف تعارضات زناشویی و درک طبیعی بودن وجود تعارض بین زوجین، رویکردهای حل تعارضات زناشویی، راهبردهای نا کارآمد، راهبردهای کارآمد، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.

دوم	آموزش تقویت و ارتقاء تعهد زناشویی	مروری بر مباحث جلسات قبل و بازنگری تکالیف جلسه قبل، آشنایی با مفهوم تعهد زناشویی و انواع تعهد، راهبردهای ارتقاء تعهد زناشویی و تمرین مقدماتی آن‌ها، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
سوم	آموزش راهبردها و فنون ارتقاء صمیمیت زناشویی	آشنایی با مفهوم صمیمیت زناشویی و انواع آن، ارائه کاربرد و بازخورد در حوزه صمیمیت موجود زوجین، اجرای روش‌ها و تکنیک‌های افزایش صمیمیت زناشویی، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
چهارم	آموزش راهبردها و فنون اصلاح و تعدیل طرحواره‌های ناسازگار	ارایه آموزش در مورد طرحواره‌ها، منشا طرحواره‌ها و نقش تجربه‌های اولیه در شکل‌گیری آن‌ها، انواع طرحواره‌های نا کارآمد و رایج راهکارهایی در جهت تغییر طرحواره‌های ناکارآمد، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
پنجم	آموزش راهبردها و فنون ارتقای مهارت‌های زندگی	مهارت‌های زندگی و ضرورت آموزش آنها در زندگی، شناخت مهارت‌های ده گانه زندگی، آشنایی با مهارت خود آگاهی؛ آموزش تکنیک پنجره جو و هری، آشنایی با مهارت همدلی، آموزش مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
ششم	آموزش راهبردها و فنون ارتقای مهارت‌های ارتباطی	آموزش مهارت ارتباطی در افزایش رضایت زناشویی، پیام‌ها و انواع آن در ارتباط، مهارت‌های مربوط به شنونده، گفتگوهای تخریب کننده، شناخت نقایص مهارت‌های ارتباطی و اجرای راهکارهای ارتقای روابط مثبت، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
هفتم	آموزش راهبردها و فنون ارتقای بهزیستی روان-شناختی	آموزش مفهوم و تعریف بهزیستی روانشناختی و نظر سنجی از زوجین، ارائه مولفه‌های بهزیستی روان‌شناختی و آموزش آن‌ها، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
هشتم	آموزش راهبردها و فنون ارتقای ارتقای هوش هیجانی	تعریف هوش و هوش هیجانی، علائم هوش هیجانی پایین و بالا، شناسایی مولفه‌های هوش هیجانی و آموزش و تمرین ارتقای آن، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
نهم	آموزش راهبردها و فنون ارتقای هوش معنوی	تعریف معنویت و هوش معنوی، ابعاد اصلی و مولفه‌های هوش معنوی، آموزش هوش معنوی، آموزش راهکارهای نظریه ده عاملی بازن، آموزش راهکارهای نظریه سیسک، ارایه مدل هوش معنوی، انجام تمرین‌های هوش معنوی، ارائه تمرین و تکلیف در منزل.
دهم	آموزش راهبردها و فنون پیشگیری از خشونت در زندگی زناشویی	آشنایی با مفهوم پرخاشگری و انواع آن در روابط زناشویی، تکنیک‌های پیشگیری از پرخاشگری کلامی، واکنش به انتقادات، فن منحرف کردن، تکنیک‌های پیشگیری از پرخاشگری غیرکلامی، شناسایی رفتار پرخاشگرانه و علل آن، و فنون مدیریت پرخاشگری، مهارت حل مسئله، مهارت ایجاد وقفه، ارائه تمرین و تکلیف در منزل و اجرای پس‌آزمون.

شیوه اجرا. آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هفته‌ای یک جلسه توسط متخصص روان‌شناس با سابقه بیش از دو دهه آموزش و درمان، در یکی از مراکز مشاوره روان‌شناختی طلاق که طرف قرارداد دادگستری اصفهان بود، متناسب با برنامه حضور زوج‌های در حال طلاق، اجرا شد. گروه گواه در دوره آموزش گروه آزمایش هیچ‌گونه آموزشی دریافت ننمود. در جلسه اول پیش از شروع آموزش، پیش‌آزمون اجرا گردید. با پایان یافتن جلسات آموزش، گروه آزمایش و گروه گواه در مرحله پس‌آزمون و دو ماه بعد در مرحله پیگیری مجدد به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. برای زوج‌های گروه گواه با اطلاع‌رسانی و توافق قبلی پس از اتمام آموزش گروه آزمایش، آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی اجرا گردید. در تحلیل آماری داده‌ها، در سطح توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی نیز

پس از بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از طریق آزمون شاپیرو-ویلک، برابری واریانس‌های خطا از طریق آزمون لوین، برابری ماتریس واریانس-کوواریانس از طریق آزمون ام باکس و بررسی پیش‌فرض کرویت از طریق آزمون موخلی، از تحلیل واریانس اندازه‌های تکرار شده استفاده شد. داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شد.

یافته‌ها

در گروه آموزش توانبخشی تلفیقی، ۱۴ نفر (۷۰٪) دارای تحصیلات تا دیپلم، ۴ نفر (۲۰٪) دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس و ۲ نفر (۱۰٪) دارای تحصیلات فوق لیسانس و در گروه گواه، ۱۴ نفر (۷۰٪) دارای تحصیلات تا دیپلم و ۶ نفر (۳۰٪) دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس بودند. آزمون خی دو با مقدار برابر با $p > 0/01$ و $7/2$ نشان داد که فراوانی تحصیلات در دو گروه دارای تفاوت معناداری نیست. در متغیر طول سال‌های گذشته از ازدواج، در گروه آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی، ۸ نفر (۴۰٪) در گروه تا ۵ سال گذشته از ازدواج، ۴ نفر (۲۰٪) در گروه ۶ تا ۱۰ سال گذشته از ازدواج و ۸ نفر (۴۰٪) در گروه ۱۱ سال و بیشتر گذشته از ازدواج و در گروه گواه نیز، ۸ نفر (۴۰٪) در گروه ۵ سال گذشته از ازدواج، ۲ نفر (۱۰٪) در گروه ۶ تا ۱۰ سال گذشته از ازدواج و ۱۰ نفر (۵۰٪) در گروه ۱۱ سال و بیشتر گذشته از ازدواج قرار داشتند. آزمون خی دو با مقدار برابر با $0/88$ و $p > 0/05$ نشان داد که فراوانی طول سال‌های گذشته از ازدواج در دو گروه دارای تفاوت معناداری نیست. در متغیر سن، در گروه آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی، ۸ نفر (۴۰٪) در گروه سنی تا ۳۰ سال، ۷ نفر (۳۵٪) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۵ نفر (۲۵٪) در گروه سنی ۴۱ سال و بالاتر و در گروه کنترل نیز، ۱۰ نفر (۵۰٪) در گروه سنی تا ۳۰ سال، ۷ نفر (۳۵٪) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۳ نفر (۱۵٪) در گروه سنی ۴۱ سال و بالاتر قرار داشتند. آزمون خی دو با مقدار برابر با $0/72$ و $p > 0/05$ نشان داد که فراوانی سن در دو گروه دارای تفاوت معناداری نیست. در جدول ۲، میانگین و انحراف معیار تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی به تفکیک برای گروه آزمایش و گروه گواه برای سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار تعهد و مهارت‌های ارتباطی در دو گروه پژوهش در سه مرحله زمانی

متغیر	مرحله	گروه توانبخشی	
		روان‌شناختی تلفیقی	گروه گواه
		میانگین	انحراف معیار
تعهد زناشویی	پیش‌آزمون	۱۳۵/۵۰	۶/۸۳
	پس‌آزمون	۱۶۴/۷۰	۶/۱۴
	پیگیری	۱۴۸/۱۵	۶/۴۶
مهارت‌های ارتباطی	پیش‌آزمون	۱۰۰/۸۰	۱۳/۴۳
	پس‌آزمون	۱۲۸/۶۵	۶/۴۹
	پیگیری	۱۲۰/۰۵	۷/۷۶

چنان‌که در جدول ۲ دیده می‌شود، تعهد زناشویی در گروه آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی، در مرحله پس‌آزمون (۱۶۴/۷۰) نسبت به مرحله پیش‌آزمون (۱۳۹/۲۵) افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد. این امر در حالی است که گروه گواه در مرحله پس‌آزمون (۱۳۹/۲۵) نسبت به مرحله پیش‌آزمون (۱۳۷/۷۵) تفاوت چشمگیری نداشته است. تعهد در مرحله پیگیری گروه آزمایش (۱۴۸/۱۵) با افت نسبت به مرحله پس‌آزمون این گروه، به میانگین گروه گواه در مرحله پیگیری (۱۴۷/۱۵) نزدیک شده است. در مهارت‌های ارتباطی، گروه آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی، در پس‌آزمون (۱۲۸/۶۵) و پیگیری (۱۲۰/۰۵) نسبت به پس‌آزمون (۱۰۴/۳۰) و پیگیری (۱۱۵/۰۵) گروه گواه، تغییرات قابل توجه‌تری را نشان داده است. پیش از اجرای تحلیل واریانس اندازه‌های تکرار شده، در راستای بررسی پیش‌فرض‌های این نوع تحلیل، آزمون شاپیرو-ویلک نشان داد در تعهد زناشویی (به ترتیب برای سه مرحله آزمون شاپیرو-ویلک برابر با ۰/۹۸، ۰/۹۵ و ۰/۹۷ و $p > ۰/۰۵$) و مهارت‌های ارتباطی (به ترتیب برای سه مرحله آماره شاپیرو-ویلک برابر با ۰/۹۶، ۰/۹۶ و ۰/۹۵ و $p > ۰/۰۵$) توزیع داده‌ها نرمال است. آزمون لوین نیز برای واریانس‌های درون گروهی را برای تعهد زناشویی (به ترتیب برای سه مرحله آماره لوین برابر با ۰/۷۳، ۰/۱۹ و ۰/۰۲ و $p > ۰/۰۵$) و مهارت‌های ارتباطی (به ترتیب برای سه مرحله آماره لوین برابر با ۱/۲۵، ۱/۴۴ و ۰/۳۲ و $p > ۰/۰۵$) و آزمون ام‌باکس نیز برای ماتریس واریانس-کوواریانس را در تعهد زناشویی (ام‌باکس برابر با ۹/۱۳ و $p > ۰/۰۵$) و مهارت‌های ارتباطی (ام‌باکس برابر با ۱۲/۲۳ و $p > ۰/۰۵$) نشان داد. در نهایت آزمون ماخلی نشان داد پیش فرض کرویت برای تعهد زناشویی (W ماخلی برابر با ۰/۹۵ و $p = ۰/۳۷$) و برای مهارت‌های ارتباطی (W ماخلی برابر با ۰/۹۸ و $p = ۰/۶۴$) رعایت شده است. در جدول ۳، نتایج تحلیل واریانس اندازه‌های تکرار شده، برای تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری تکرار شده (مکرر) برای تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
تعهد زناشویی	مراحل مداخله	۴۲۳۱/۷۲	۲	۲۱۱۵/۸۶	۷۱/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۶۵	۱
	مراحل×گروه	۵۶۰۹/۵۲	۲	۲۸۰۴/۷۶	۹۴/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۷۱	۱
مهارت‌های ارتباطی	گروه	۱۷۹۴/۱۳	۱	۱۷۹۴/۱۳	۳۱/۸۱	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۱
	مراحل مداخله	۶۲۷۸/۱۵	۲	۳۱۳۹/۰۷	۷۸/۳۹	۰/۰۰۱	۰/۶۷	۱
ارتباطی	مراحل×گروه	۴۶۵۰/۳۲	۲	۲۳۲۵/۱۶	۵۸/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۶۰	۱
	گروه	۱۵۹۱/۴۱	۱	۱۵۹۱/۴۱	۹/۱۸	۰/۰۰۴	۰/۱۹	۰/۸۴

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در تعهد زناشویی تعامل مراحل×گروه ($F=۹۴/۳۷$ ، $df=۲$ و $p=۰/۰۰۱$) و در مهارت‌های ارتباطی نیز تعامل مرحله×گروه ($F=۵۸/۰۶$ ، $df=۲$ و $p=۰/۰۰۱$) معنادار هستند. این معناداری به این مفهوم است که حداقل در یکی از دو مرحله پس‌آزمون و پیگیری بین گروه آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی با گروه گواه در متغیرهای تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی تفاوت معناداری وجود دارد. در جدول ۴، نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به صورت دو به دو با یکدیگر ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون بونفرونی برای مقایسه پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری در تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی

متغیر	مراحل مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌های تعدیل شده	خطای استاندارد	معناداری
تعهد زناشویی	پیش آزمون - پس آزمون	-۱۳/۹۵	۰/۹۷	۰/۰۰۱
	پیش آزمون - پیگیری	-۱۰/۷۸	۱/۰۲	۰/۰۰۱
	پس آزمون - پیگیری	۳/۰۷	۰/۹۶	۰/۱۱
مهارت‌های ارتباطی	پیش آزمون - پس آزمون	-۱۶/۹۲	۱/۸۴	۰/۰۰۱
	پیش آزمون - پیگیری	-۱۳	۱/۳۲	۰/۰۰۱
	پس آزمون - پیگیری	۳/۹۲	۱/۰۹	۰/۰۹

چنان‌که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیش‌آزمون - پیگیری در هر دو متغیر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار نیست. این نتایج نشان می‌دهد که به طور نسبی تغییرات متغیرها در پیگیری نسبت به پس‌آزمون ثبات داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه تعیین اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در زوج‌های در معرض طلاق بود. یافته‌ها نشان داد که آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی موجب افزایش تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی شد. در مطالعات قبلی در جستجوهای انجام شده مطالعه‌ای در حوزه اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی زوج‌های در معرض طلاق در دسترس قرار نگرفت، ولی مطالعاتی در سرتاسر دنیا و در ایران، اثربخشی مداخله‌های آموزشی و درمانی با پایه و محتوای روان‌شناختی را بر متغیرهای مرتبط با تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی با تنوع زیادی بر پایه رویکردهای آموزشی و درمانی مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. برای نمونه نجمی و همکاران (۱۳۹۷) اثربخشی آموزش شناختی و رفتاری را بر تعهد زناشویی زوج‌های در معرض طلاق، گودرزی و همکاران (۱۳۹۹ و ۲۰۲۰) اثربخشی درمان هیجان‌مدار و واقعیت‌درمانی را بر تعهد اجتماعی زوجین در معرض طلاق و احمدزاده اقدم و همکاران (۱۴۰۰) اثربخشی زوج‌درمانی به روش تحلیل رفتار متقابل را بر تعهد زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی نشان داده‌اند. در بسته آموزشی توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی زوج‌ها در مطالعه حاضر، فنون آموزشی مورد استفاده در مواردی دارای همپوشی‌هایی با فنون آموزشی حوزه‌های شناختی و رفتاری، تحلیل روابط، درمان هیجان‌مدار و طرحواره‌درمانی و طیفی دیگر از فنون مورد نیاز برای ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی استفاده شده است. به همین جهت به‌طور نسبی می‌توان گفت که نتایج این بخش از مطالعه در باره اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی با نتایج مطالعات ذکر شده، همسویی نشان می‌دهد. در تبیین اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی زوج‌های متقاضی طلاق می‌توان به ساز و کارهای مرتبط با نقش هر یک از متغیرهای مرتبط با تمایل به جدایی و طلاق اشاره کرد. بر پایه

پیشینه در دسترس مهارت‌های ارتباطی (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمودزاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نبیئی و همکاران، ۱۳۹۹)، رضایت زناشویی (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷)، تعارض زناشویی (عرب و همکاران، ۱۳۹۳)، خشونت خانگی (زارعان و همکاران، ۱۳۹۵)، طرحواره‌های روان‌شناختی (عدل‌پرور و همکاران، ۱۴۰۰؛ مهرپویا و همکاران، ۲۰۲۲)، صمیمیت زناشویی (نبیئی و همکاران، ۱۳۹۹)، تعهد زناشویی (ویتون و همکاران، ۲۰۱۳)، مهارت‌های زندگی (جلیلی و همکاران، ۲۰۱۷)، سلامت و بهزیستی روان-شناختی (اسبارا و همکاران، ۲۰۱۵) و هوش هیجانی و معنوی (محسنیان و همکاران، ۱۳۸۶؛ شیرزادی و همکاران، ۲۰۲۱) متغیرهای قابل آموزشی معرفی شده‌اند که به‌طور با واسطه یا بی‌واسطه با میل به جدایی و طلاق ارتباط دارند. در بسته آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی مطرح شده در مطالعه حاضر، استفاده این متغیرها و به کارگیری فنون آموزشی معطوف به ارتقاء متغیرهای مثبت (مهارت‌های ارتباطی، رضایت زناشویی، صمیمیت زناشویی، تعهد زناشویی، مهارت‌های زندگی، سلامت و بهزیستی روان‌شناختی و هوش هیجانی و معنوی) و تضعیف متغیرهای منفی (تعارضات زناشویی، خشونت خانگی و طرحواره‌های ناسازگار و معیوب) با هدف تلاش برای پیشگیری از وقوع طلاق با اتکاء بر یافته‌های مطالعات قبلی، محوریت حیاتی داشته است. اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر افزایش تعهد زناشویی نیز به نقش جدی آموزش صمیمیت، رضایت، تعهد، به‌کارگیری بهتر ظرفیت‌های هوش هیجانی و معنوی، تلاش برای ارتقاء سلامت و بهزیستی در کنار انجام تمریناتی بر روی کاهش تعارضات، خشونت و تضعیف نقش تفسیرها و ارزیابی‌های مبتنی بر برخی طرحواره‌های ناسازگار و ناکارآمد شناختی، مربوط است. این تبیین با توجه به این‌که زوج‌های متمایل به طلاق، اغلب در استفاده از الگوهای رفتاری صمیمانه، رضایت‌بخش، متناسب با شرایط و نیازهای طرف مقابل و در مجموع در ایجاد یک رابطه مثبت و سازنده با یکدیگر دچار ضعف محسوسی هستند (زارعان و سدیدپور، ۱۳۹۵؛ عدل‌پرور و همکاران، ۱۴۰۰؛ اسپایکیک و مورتلمانز، ۲۰۲۱؛ اسکافی نوقانی و همکاران، ۲۰۲۱؛ کمر و فیزان، ۲۰۲۱)، به‌طور جدی برجسته‌تر می‌شود.

در واقع آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی با تمرکز بر ظرفیت‌های مغفول مانده مهارت‌های ارتباطی، رضایت زناشویی، صمیمیت زناشویی، تعهد زناشویی، مهارت‌های زندگی، سلامت و بهزیستی روان‌شناختی در کنار هوش هیجانی و معنوی در متن روابط زناشویی، زندگی و رابطه کم‌تنش‌تر و قابل‌ترمیم‌تر از طریق سرمایه‌گذاری بر جنبه‌های سازنده و مثبت این روابط را پیش روی زوج‌های متمایل به طلاق قرار می‌دهد، و فرصتی نوین را در متن آخرین تلاش‌ها برای نجات زندگی در حال فروپاشی فراهم می‌کند. با درگیر شدن زوجها در فنون آموزشی ارتقاء رضایت، مهارت ارتباطی، تعهد و صمیمیت زناشویی، همراه با استفاده از کارکردها و نقش‌های هوش هیجانی، بهزیستی و سلامت روان‌شناختی و هوش معنوی، به تدریج روابط عاری از تعهد و صمیمیت و سرشار از کشمکش، آنها در مسیر تبادل رفتارها و پیام‌های متعهدانه، رضایت‌بخش و صمیمانه‌تر حرکت می‌کنند. همین امر می‌تواند یکی از ساز و کارهای اصلی اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر تعهد زناشویی باشد. موازی با ساز و کار و نقش ارتقاء صمیمیت، رضایت، تعهد، استفاده از هوش هیجانی و معنوی در ارتقاء تعهد زناشویی، آموزش اجتناب از رفتارهای خشن و پرخاشگرانه در روابط و راه‌های مقابله با این نوع رفتارها در حین رابطه، به شکلی هم‌افزا آثار ساز و کار ارتقاء کیفیت روابط و زندگی زناشویی را تقویت و از این طریق نیز تعهد زناشویی امکان ارتقاء پیدا می‌کند. بنابراین اثربخشی آموزش توانبخشی تلفیقی بر تعهد زناشویی، در بستری رو به رشد از رضایت زناشویی، صمیمیت

و تعهد بالاتر، در کنار بهزیستی روان‌شناختی و دیگر مهارت‌های زندگی ضروری نظیر تبادل مهربانی، محبت، از خودگذشتگی و گذشت و فداکاری منصفانه بروز پیدا می‌کند.

نتایج مربوط به اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر مهارت‌های ارتباطی نیز با توجه به محتوای این نوع آموزش و تمرکز بر همبسته‌ها و مهارت‌های مختلف روان‌شناختی مرتبط با میل به طلاق و جدایی نیز با نتایج مطالعه نامنی و همکاران (۱۳۹۸) در خصوص اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر طرحواره درمانی بر کیفیت رابطه زناشویی زوج‌های متقاضی طلاق، با نتایج مطالعه بلانچارد و همکاران (۲۰۰۹) در خصوص اثربخشی آموزش ازدواج و رابطه بر مهارت‌های ارتباطی زوج‌ها و با نتایج مطالعه مشتاقی و همکاران (۱۳۹۹) در خصوص اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر شفافیت ارتباط زناشویی همسویی نشان می‌دهد. در تبیین اثربخشی آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی بر افزایش مهارت‌های ارتباطی زوج‌های در معرض طلاق، علاوه بر افزایش تعهد زناشویی که در بخشی دیگری از این پژوهش نشان داده شد، و فراتر از ارتقاء رضایت، مهارت ارتباطی، تعهد و صمیمیت زناشویی، همراه با استفاده از نقش هوش هیجانی، بهزیستی و سلامت روان‌شناختی و هوش معنوی، به ساز و کارهای تقویت معطوف به احترام و رابطه متقابل و رفع نیازهای مختلف در کنار احساس تجربه‌ای جدید از روابط غیرمعارض در کنار همسر ارتباطی تنگاتنگ پیدا می‌کند. واقعیت این است که زوج‌های مایل به طلاق به جز مواردی که عوامل لاینحل و مسئله‌آفرین زمینه ساز تعارض، کشمکش و در نهایت تمایل به طلاق و وقوع طلاق دخیل هستند (قدیمی-آزاد و همکاران، ۲۰۲۱؛ ون‌دایک و همکاران، ۲۰۲۱)، در بسیاری از مواقع از ضعف‌های جدی در حوزه برقراری روابط سازنده در بستر تبادل رضایت بخش عواطف و هیجان‌های مثبت با یکدیگر، برداشت‌ها و سوء تفاهم‌های مخرب، ضعف مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی، ناتوانی و یا غفلت در استفاده از تمامی فرصت‌ها و امکانات ایجاد یک رابطه و زندگی زناشویی رضایت بخش و مثبت برخوردارند (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹؛ آبریو-آفونسو و همکاران، ۲۰۲۱). آسیب‌های حاصل از ضعف‌های مطرح شده، زوج‌های متقاضی طلاق را به دلیل عدم وجود مهارت‌های ارتباطی لازم، در چرخه‌ای معیوب از تلاش‌ها و روش‌های ناکارآمد گرفتار می‌کند. تمایل به جدایی و طلاق که در پایان زنجیره روابط آسیب‌زا در قالب رجوع برای جدایی نمود یافته، مانند بسیاری دیگر از تصمیمات و انتخاب‌های این زوج‌ها که به جای سازنده بودن، اغلب راه‌حلی ویرانگر تلقی می‌شود، را می‌توان نوعی عصیان و تمایل به گریز از شرایط پرتنش تعریف کرد. آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی در مسیر خود، تمایل به جدایی را که شکلی از تمایل به گریز از تنش و فشار خردکننده است را با تجاری جدید معطوف به مهارت‌های ارتباطی موثر در کنار ارتقاء سطح استفاده از مهارت‌های زندگی، مهار رفتارهای مخرب خشونت‌بار و پرخاشگرانه و افزایش متعیرهای مثبت برای یک زندگی زناشویی آرامش بخش (رضایت زناشویی، صمیمیت زناشویی، تعهد زناشویی، مهارت‌های زندگی، سلامت و بهزیستی روان‌شناختی و هوش هیجانی و معنوی) جایگزین و از این طریق توان و ظرفیت استفاده از مهارت‌های ارتباطی را تقویت می‌کند. در مجموع نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش توانبخشی روان‌شناختی تلفیقی به صورتی اثربخش حتی تا دو ماه پس از پایان یافتن دوره آموزش یعنی در مرحله پیگیری موجب افزایش تعهد زناشویی و مهارت‌های ارتباطی در زوج‌های در معرض طلاق شده است. به همین منظور پیشنهاد می‌شود تا این آموزش تلفیقی برای زوج‌هایی که بستر اصلی تمایل به طلاق آن‌ها

مشکلات معطوف به مهارت‌های ارتباطی، رضایت زناشویی، طرحواره‌های روان‌شناختی، شناخت و مواجهه ناکارآمد با تعارضات زناشویی، صمیمیت، تعهد زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی، مهارت‌های زندگی، پرهیز از خشونت خانگی، هوش هیجانی و هوش معنوی است (این مهم به سادگی از طریق سنجش‌های آغازین در ورود به نظام مشاوره طلاق قابل سنجش و بررسی است). به‌عنوان آموزشی موثر از طریق مراکز مشاوره روان‌شناختی برنامه‌ریزی و اجرا شود. در پایان نیز لازم است تا به محدودیت‌های مطالعه حاضر از جمله استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، تمرکز بر زوج‌های متقاضی طلاق و جدایی که به سیستم دادگستری برای انجام مراحل قانونی طلاق مراجعه نمودند و استفاده از پرسشنامه خودگزارش دهی که ممکن است داده‌های عمیقی را به دست ندهد، توجه لازم و کافی بشود. بنابراین در تعمیم نتایج این مطالعه برای زوج‌های متعارض و یا ناراضی که هنوز وارد فرایند طلاق قانونی نشده‌اند، باید احتیاط شود. در راستای محدودیت‌های مورد اشاره پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از روش‌های انتخاب تصادفی برای نمونه‌گیری همراه با سنجش و بررسی سابقه طلاق قبلی، مد نظر قرار گیرند.

موازین اخلاقی

دریافت رضایت نامه کتبی، رازداری نسبت به اطلاعات شرکت‌کنندگان، استفاده از داده‌ها صرفاً در راستای اهداف پژوهش، آزادی کامل برای انصراف از ادامه پژوهش و اطلاع‌رسانی دقیق در صورت درخواست شرکت‌کنندگان از نتایج، همراه با آموزش گروه گواه پس از اتمام آموزش گروه آزمایش، اصول اخلاقی رعایت شده در این مطالعه هستند.

سپاسگزاری

از کلیه مراکز مشاوره روان‌شناختی و زوج‌هایی که با حضور خود در این پژوهش اجرای این مطالعه را امکان‌پذیر و پربار نمودند از صمیم قلب تشکر و قدردانی می‌کنیم.

مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی مصوب نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) است و همه نویسندگان در مراحل مختلف انجام این رساله و تدوین و ارسال مقاله نقش داشته‌اند.

تعارض منافع

بنا بر اعلام نویسندگان، این مقاله از هیچ موسسه یا سازمانی حمایت مالی دریافت ننموده و دارای تعارض منافع نمی‌باشد.

منابع

- احمدزاده اقدم، ابراهیم، کریمی‌ثانی، پرویز، گودرزی، محمود، و مرادی، امید. (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی زوج درمانی به روش تحلیل رفتار متقابل بر سرخوردگی و تعهد زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی. *تعالی مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۰(۳۸)، ۳۶-۴۹.
- باقری، مسعود، پورمیرزایی، مریم، و فضیلت پور، مسعود. (۱۳۹۷). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه مهارت‌های ارتباطی بر اساس دیدگاه مولوی. *رویش روان‌شناسی*، ۱(۷)، ۱۹۹-۲۲۲.
- برکات، فاطمه، امینی، ناصر، دیره، عزت، و شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی الگوی یکپارچه پیشگیری از طلاق بر انصراف از طلاق و انطباق‌پذیری خانوادگی در زوجین متقاضی طلاق. *زن و مطالعات خانواده*. در نوبت چاپ.
- جمعه‌نیا، سکینه، نظری، علی محمد، و سلیمانیان، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). شناسایی شاخص‌های مشکلات زوجین ترکمن متقاضی طلاق: یک مطالعه کیفی. *خانواده درمانی کاربردی*، ۲(۳)، ۱۶۶-۱۹۱.
- حاتمی، نوشین، حیدری، حسن، و داودی، حسین. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان فراتشخیصی یکپارچه بر تمایز یافتگی زوجین متقاضی طلاق. *روان‌شناسی تحلیلی شناختی*، ۱۱(۴۲)، ۲۷-۳۹.
- حسینی، محمدرضا، هدایتی، منصوره، و محمدزاده، فاطمه. (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات انجام‌شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱(۳)، دومین ویژه‌نامه جامعه‌شناسی خانواده، ۱۵۱-۱۲۶.
- حسین چاری، مسعود، و فداکار داورانی، محمدمهدی. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر دانشگاه بر مهارت‌های ارتباطی بر اساس مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار سابق)*، ۱۲(۱۵)، ۲۱-۳۲.
- حسینی، امین، زهراکار، کیانوش، داورنیا، رضا، شاکرمی، محمد، و محمدی، بهناز. (۱۳۹۴). رابطه‌ی تعهد زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۲(۵)، ۷۸۸-۷۹۶.
- خسروی، جهانبخش، مرادی، امید، احمدیان، حمزه، و یوسفی، ناصر. (۱۳۹۸). مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجی‌گری دزدگی زناشویی (مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین). *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۵(۲)، ۱۸۵-۲۱۰.
- دهدست، کوثر، و قبادی، شهاب. (۱۳۹۹). تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۳)، ۱۵۸-۱۲۱.
- زارعان، منصوره، و سدیدپور، سمانه سادات. (۱۳۹۵). فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۲)، ۲۱۸-۱۹۱.
- زارع، بیژن، و صفیاری جعفرآباد، هاجر. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان و مردان متأهل شهر تهران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۱)، ۱۱۱-۱۴۰.
- صادقی، رسول، زنجری، نسیم، و محمودیانی، سراج‌الدین. (۱۳۹۷). تاثیر الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در شهر تهران. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)*، ۲۱(۸۱)، ۷-۴۵.
- عباس‌زاده، محمد، سعیدی عطایی، حامد، و افشاری، زهرا. (۱۳۹۴). مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۱)، ۲۵-۴۴.

- عدل‌پرور، عفت، صفائی‌راد، ایرج، عرفانی، نصرالله، و جدیدی، هوشنگ. (۱۴۰۰). تدوین مدل علی تعارضات زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای طرحواره‌های بریدگی/اطرد و خودگردانی/اعملکرد مختل در زنان در آستانه طلاق. *خانواده درمانی کاربردی*، ۲(۲)، ۱۸۹-۱۷۹.
- عرب، سید محمد، ابراهیم زاده پزشکی، رضا، و مروتی شریف آبادی، علی. (۱۳۹۳). طراحی مدل فرا ترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین. *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۱۰(۴)، ۲۲-۱۰.
- فروتن، یعقوب، و میرزایی، سمیه. (۱۳۹۵). نگرش به طلاق و تعیین‌کننده‌های آن در ایران. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۲(۲)، ۱۹۳-۲۲۵.
- فلاحیان، حسین، میکاییلی، نیلوفر، و یوسفی مریدانی، متین. (۱۳۹۸). پیش‌بینی روابط فرازناشویی بر اساس کیفیت عشق، سبک‌های حل تعارض زوجین و تعهد زناشویی. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۵(۱)، ۷۶-۵۹.
- فیروزجائیان گلوگاه، علی اصغر، صادقی، سهیل، جان محمدی لرگانی، وحید، و لطفی، طاهره. (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران. *مطالعات زن و خانواده*، ۶(۲)، ۱۴۳-۱۱۱.
- گودرزی، امیرحسین، کیخسروانی، مولود، دیره، عزت، و گنجی، کامران. (۱۳۹۹). اثربخشی واقعیت‌درمانی بر انعطاف‌پذیری و دلزدگی زناشویی و تعهد اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق شهرستان ملایر. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۳(۴۹)، ۲۷-۷.
- محسنیان، محمد، کرملو، سمیرا، و گنجوی، آناهیتا. (۱۳۸۶). رابطه میان تمایزیافتگی خود و هوش هیجانی از متقاضیان طلاق. *خانواده پژوهی*، ۳(۱۲)، ۸۲۷-۸۳۷.
- محمودزاده مرقی، علی، میراسکندری، فریبا، و فرید، محمد صادق. (۱۴۰۰). مدل‌سازی معادلات ساختاری گرایش به طلاق با تأکید بر مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض و حل مسائل زندگی زناشویی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۹(۱)، ۴۴-۳۵.
- مرتضایی، نسترن، و رضازاده، سید محمد رضا. (۱۳۹۹). نقش میانجی تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت‌مندی زناشویی. *پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۱(۴)، ۲۹۲-۲۸۱.
- مرادی، امید، و چارداولی، شایسته. (۱۳۹۵). اثربخشی زوج‌درمانی تلفیقی به شیوه شناختی-رفتاری و ساختاری بر کیفیت زندگی و ابعاد آن در زوج‌های متقاضی طلاق. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵(۵۷)، ۴۰-۲۴.
- مشتاقی، سارا، اصغرنژاد فرید، علی اصغر، و احقر، قدسی. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر شفافیت ارتباط زناشویی و میل به طلاق در زوج‌های متقاضی طلاق. *روانشناسی اجتماعی*، ۸(۵۵)، ۱۳۲-۱۲۳.
- نامنی، ابراهیم، سعادت، سید حسن، کشاورز افشار، حسین، و عسکرآبادی، فاطمه. (۱۳۹۸). اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر طرحواره درمانی بر کیفیت رابطه زناشویی، تمایزیافتگی و سخت‌رویی در زنان متقاضی طلاق در میان فرزندان رزمندگان دفاع مقدس. *طب نظامی*، ۱۲(۱)، ۹۹-۹۱.
- نبیئی، آناهیتا، حسینی، سعیده السادات، کاکابرابی، کیوان، و امیری، حسن. (۱۳۹۹). الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۴(۱)، ۱۷-۹.

نجمی، مهسا، درتاج، فریبرز، و سعادت‌ی شامیر، ابوطالب. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش شناختی رفتاری بر ظرفیت خودمهارگری و تعهد زناشویی در زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به مرکز مشاوره. *پژوهشنامه تربیتی*، ۱۴(۵۷)، ۱۳۲-۱۵۲.

یوسفی‌مریدانی، متین، فلاحیان، حسین، و میکاییلی، نیلوفر. (۱۳۹۸). نقش بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و نارسایی شناختی در پیش‌بینی میل به طلاق زوجین. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۵(۱)، ۱۵۴-۱۳۹.

References

- Abreu-Afonso, J., Ramos, M. M., Queiroz-Garcia, I., & Leal, I. (2021). How couple's relationship lasts over time? A model for marital satisfaction. *Psychological Reports*, 1-27. <https://doi.org/10.1177/00332941211000651>
- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196.
- Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 650-666.
- Arocho, R., & Purtell, K. (2020). Will i stay married?: Exploring predictors of expectations to divorce in unmarried young adults. *Emerging Adulthood*, 8(2), 118-132.
- Besschetnova, O., Fomina, S., Shimanovskaya, Y.V., Sizikova, V., Karpunina, A., & Konstantinova, N. (2021). Divorce in post-epidemic society: reasons and consequences. *Laplage Em Revista*, 7(3D), 65-72.
- Blanchard, V., Hawkins, A., Baldwin, S., & Fawcett, E. (2009). Investigating the effects of marriage and relationship education on couples' communication skills: A meta-analytic study. *Journal of Family Psychology*, 23(2), 203-214.
- Chiang, YL., & Park, H. (2021). Three decades of gender and education differentials in attitudes toward divorce in Taiwan, 1985-2015. *Asian Population Studies*, 1-19. <https://doi.org/10.1080/17441730.2021.2004649>
- De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K. (2021). Attitudes of young adults toward marriage and divorce, 2002-2018. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(1), 66-82.
- Eskafi Noghani, M., Gorgidge, F., & Hojjati Shargh, A. A. (2021). Systematic review of quantitative and qualitative research on divorce factor. *Journal of Research & Health*, 11(3), 139-146.
- Fraser, S. L., Parent, V., Weeltuk, C., & Hunter, J. (2021). Families navigating community resources: understanding and supporting Nunavimmiut families. *International Journal of Circumpolar Health*, 80(1), 1935594.
- Ghadimi Azad, R., Emami Sigaroudi, A., Bostani Khalesi, Z., & Kazemnezhad Leili, E. (2021). Relationship between social exclusion and post-divorce adjustment in Iranian women. *Health Education and Health Promotion*, 9(1), 73-78.
- Goudarzi, A., Keykhosrovani, M., Deyreh, E., & Ganji, K. (2020). The effectiveness of emotion-oriented treatment on cognitive flexibility and social commitment in divorced couples. *Razi Journal of Medical Sciences*, 27(Special Issue), 64-73.
- Heidari, Z., Ghamari, M., Jafari, A., Armani Kian, A. (2021). The effectiveness of integrative behavioral couple therapy (IBCT) on emotional divorce of couples: A randomized clinical trial. *Journal of Iranian Medical Council*, 4(2), 72-79.
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54(3), 369-376.
- Jalili, L., Najari, S., Nezamivand_Cheghini, S., & Yaralizadeh, M. (2017). The relationship between factors related to divorce request and mental health among divorce applicant

- women referred to legal medicine organization in Ahvaz, Iran. *Journal of Family & Reproductive Health*, 11(3), 128-137.
- Mehrpouya, F., Jajarmi, M., Alizadeh Mousavi, E. (2022). The Inter-structural relationships between early maladaptive schemas and marital commitment of couples: The mediating role of communication patterns. *International Journal of Health Studies*, 8(2), 23-30.
- Mikolaj, J., Kulu, H., Vidal, S., van der Wiel, R., & Mulder, C. H. (2019). Separation, divorce, and housing tenure: a cross-country comparison. *Demographic Research*, 41(39), 1131-1146.
- Parker, G., Durante, K. M., Hill, S. E., & Haselton, M. G. (2021). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current Opinion in Psychology*, 43, 300-306.
- Qamar, A. H., & Faizan, H. (2021). Reasons, impact, and post-divorce adjustment: Lived experience of divorced women in Pakistan. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(5), 1-26.
- Sbarra, D. A., Hasselmo, K., & Bourassa, K. J. (2015). Divorce and health: Beyond individual differences. *Current Directions in Psychological Science*, 24(2), 109-113.
- Shirzadi, Z., Khakpour, R., Khodabakhshi-Koolae, A. (2021). The role of attachment styles and spiritual intelligence in predicting women's emotional divorce. *Journal of Client Centered Nursing Care*, 7(1), 17-26.
- Spikic, S., & Mortelmans, D. (2021). A preliminary meta-analysis of the big five personality traits' effect on marital separation. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(7), 551-571.
- Uhlich, M., Luginbuehl, T., & Schoebi, D. (2021). Cultural diversity within couples: Risk or chance? A meta-analytic review of relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 1-26. <https://doi.org/10.1111/pere.12405>
- van Dijk, R., van der Valk, I. E., Deković, M., & Branje, S. (2021). A meta-analysis on inter-parental conflict, parenting, and child adjustment in divorced families: Examining mediation using meta-analytic structural equation models: Corrigendum. *Clinical Psychology Review*, 88, 102060.
- Whitton, S. W., Stanley, S. M., Markman, H. J., & Johnson, C. A. (2013). Attitudes toward divorce, commitment, and divorce proneness in first marriages and remarriages. *Journal of Marriage and Family*, 75(2), 276-287.

پرسشنامه تعهد زناشویی

ردیف	سوالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
۱	من و همسرم به راحتی احساساتمان را برای یکدیگر بیان می‌کنیم	۱	۲	۳	۴	۵
۲	هنگامی که من و همسرم روی یک موضوع بحث می‌کنیم به سختی به توافق می‌رسیم	۱	۲	۳	۴	۵
۳	من نسب به همسرم خیلی متعهد هستم	۱	۲	۳	۴	۵
۴	همسرم به احساسات من توجه نمی‌کند	۱	۲	۳	۴	۵
۵	همسرم را فردی وفادار می‌دانم	۱	۲	۳	۴	۵
۶	من از گفتگوی با همسرم لذت نمی‌برم	۱	۲	۳	۴	۵
۷	آرزو می‌کنم که همسرم نسبت به من بیشتر محبت و عشق ابراز می‌کرد	۱	۲	۳	۴	۵
۸	همسرم من را یک فرد ارزشمند می‌داند	۱	۲	۳	۴	۵
۹	برایم سخت است که به همسرم بگویم دوستش دارم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	گاهی اوقات به همسرم دروغ می‌گویم	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	ازدواج باعث شده است که بیشتر از قبل خود را ارزشمند بدانم	۱	۲	۳	۴	۵

۵	۴	۳	۲	۱	۱۲	هنگامی که من از دست همسرم دلخور می شوم قادرم این احساسم را به او بگویم
۵	۴	۳	۲	۱	۱۳	اگر قرار باشد دوباره از اول شروع کنم با همین فرد ازدواج خواهم کرد
۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	گاهی اوقات من افکار و عقایدی دارم که دوست ندارم به همسرم بگویم
۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	من از داشتن رابطه جنسی با همسرم رضایت ندارم
۵	۴	۳	۲	۱	۱۶	همسر من را درک نمی کند
۵	۴	۳	۲	۱	۱۷	رابطه جنسی ما رضایت بخش و بدون مشکل است
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸	همسر در مورد عقاید و افکارش با من صحبت نمی کند
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹	من و همسر از بودن کنار هم لذت نمی بریم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰	من نمیتوانم همه ی چیزهایی که دوست دارم را به همسرم بگویم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۱	ازدواج به من کمک کرده تا به اهدافی که در زندگی ترسیم کرده بودم برسم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۲	ازدواج کاملاً من را محدود کرده است
۵	۴	۳	۲	۱	۲۳	هنگامی که مشکلی برایمان به وجود می آید من و همسر سعی در حل آن داریم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۴	من مطمئن هستم که می توانیم مشاجراتی که به ما پیش می آید را حل کنیم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۵	مرتب همسر را می بوسم و نوازش میکنم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۶	همسر از اینکه گاهی اوقات در کنار دوستان یا خانواده ام باشم مخالفت می کند
۵	۴	۳	۲	۱	۲۷	همسر از لحاظ جنسی من را جلب می کند و برایم جذابیت جنسی دارد
۵	۴	۳	۲	۱	۲۸	من هرگز با همسر بحث و جدل نداشتم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۹	همسر بهترین دوست من است
۵	۴	۳	۲	۱	۳۰	همسر به جزء من به شخص دیگری فکر نمی کند
۵	۴	۳	۲	۱	۳۱	همسر به اهداف شخصی من احترام می گذارد
۵	۴	۳	۲	۱	۳۲	همسر از لحاظ جنسی من را جذاب می داند
۵	۴	۳	۲	۱	۳۳	من و همسر برای استقلال یکدیگر ارزش قائل هستیم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۴	حاضرم برای اجتناب از درگیری با همسر هر کاری بکنم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۵	مدت زمانی که با اقوام و دوستانمان صرف می کنیم کفایت
۵	۴	۳	۲	۱	۳۶	در زندگی ما شوهر رهبر خانواده است
۵	۴	۳	۲	۱	۳۷	حتی اگر زن خارج از خانه کار می کند باز هم باید مسئول اداره داخل خانه باشد
۵	۴	۳	۲	۱	۳۸	من و همسر بخاطر عقاید مذهبیمان احساس نزدیکی بیشتری می کنیم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۹	احساس می کنم با دوست داشتن همسر بهتر می توانم عشق به خدا را درک کنم
۵	۴	۳	۲	۱	۴۰	عبادت کردن همراه همسر برای من مهم است
۵	۴	۳	۲	۱	۴۱	در میان گذاشتن ارزش های مذهبی به رابطه ما کمک می کند
۵	۴	۳	۲	۱	۴۲	همسر همیشه شنونده خوبی است
۵	۴	۳	۲	۱	۴۳	رابطه بسیار خوبی با همسر دارم
۵	۴	۳	۲	۱	۴۴	همسر خلق و خوی مرا کامل می شناسد و آنها را قبول دارد

پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی

ردیف	عبارت	هرگز	به ندرت	بعضی اوقات	اکثر اوقات	همیشه
۱	وقتی که چیزی را برای دیگران توضیح می دهم، از آنها می پرسم که آیا تا اینجای حرفم را فهمیده اند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲	دیگران منوجه صحبت های من نمی شوند	۱	۲	۳	۴	۵
۳	سعی می کنم نظراتم را به روشنی بیان کنم	۱	۲	۳	۴	۵
۴	وقتی دیگران در جریان موضوع صحبت من نیستند، بیان عقایدم برایم دشوار می شود.	۱	۲	۳	۴	۵

۵	۴	۳	۲	۱	وقتی متوجه سوالی نمی شوم، درخواست می کنم که سوال را روشنتر بیان کنند	۵
۵	۴	۳	۲	۱	منوجه منظور صحبت دیگران نمی شوم.	۶
۵	۴	۳	۲	۱	این که از دید دیگران به موضوع نگاه کنم، برایم راحت است.	۷
۵	۴	۳	۲	۱	حتی وقتی که حواسم جای دیگر است، وانمود می کنم که دارم گوش می دهم.	۸
۵	۴	۳	۲	۱	ابراز احساسات برایم دشوار است.	۹
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی که حرفی مربوط به موضوع برای گفتن داشته باشم، قطع کردن صحبت دیگران برایم مسأله ای نیست.	۱۰
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی با دیگران حرف می زنم، می توانم از چهره آن ها احساساتشان را بخوانم.	۱۱
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی که می دانم دیگران قصد دارند چه مطلبی را بگویند، زودتر از اینکه تمام کنند جوابشان را می دهم.	۱۲
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی که مجبورم چیزی بگویم که از برداشت ها و واکنش های مخاطب آگاه نیستم، به شدت به هم می ریزم.	۱۳
۵	۴	۳	۲	۱	می توانم نقاط ضعفم را چنان مخفی کنم که بهانه ای به دست دیگران ندهم.	۱۴
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی که اشتباه کردم، از اینکه اشتباه خود را بپذیرم، نمی ترسم.	۱۵
۵	۴	۳	۲	۱	بهترین راه برای اینکه به دیگران کمک کنم تا مرا درک کنند، آن است که احساسات، افکار و عقایدم را به آنان بگویم	۱۶
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی صحبت ها احساس می شوند، میل دارم موضوع را عوض کنم	۱۷
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی که می فهمم احساسات کسی را جریحه دار کرده ام، از او معذرت خواهی می کنم	۱۸
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی از من انتقاد می شود، ناراحت می شوم و مقاومت می کنم.	۱۹
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی ناراحت هستم و کسی از من می پرسد که «ناراحت هستی؟» پنهان نمی کنم.	۲۰
۵	۴	۳	۲	۱	دوست دارم هرچه زودتر به اصل مطلب بپردازم.	۲۱
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی که با کسی صحبت می کنم، سعی می کنم خودم را جای او بگذارم.	۲۲
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی که کسی در پیدا کردن کلمات مناسب مشکل دارد، با کمال میل آنچه که فکر می کنم او می خواهد بگوید، پیشنهاد می کنم.	۲۳
۵	۴	۳	۲	۱	دیگران می گویند که من صدایم را بلند می کنم (بلند صحبت می کنم)، اگر چه خودم از این موضوع آگاه نیستم	۲۴
۵	۴	۳	۲	۱	ه طور طبیعی چنین است که در مکالمات، من بیشتر صحبت می کنم.	۲۵
۵	۴	۳	۲	۱	این طور فکر می کنم که با حضور من مجلس صمیمی تر می شود.	۲۶
۵	۴	۳	۲	۱	به آنچه دیگران می گویند علاقه مند می شوم.	۲۷
۵	۴	۳	۲	۱	گر کسی با من مخالفت کند، احساس ناراحتی می کنم به ویژه اینکه آن شخص تجربه مرا هم نداشته باشد.	۲۸
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی از کسی انتقاد می کنم، مطمئنم که منظورم عمل و رفتار اوست نه خود او، مثلاً به جای اینکه بگویم: «تو دوست خوبی نیستی»، می گویم: «من با این برخورد تو موافق نیستم.»	۲۹
۵	۴	۳	۲	۱	من قادرم مشکلات را بدون از دست دادن کنترل عواطفم حل کنم.	۳۰
۵	۴	۳	۲	۱	به هنگام صحبت با دیگران از واکنش عاطفی خودم به آنچه گفته می شود، آگاهم.	۳۱
۵	۴	۳	۲	۱	تمایل دارم بحث بر سر موضوعات رنجش آور را به تأخیر بیاورم.	۳۲
۵	۴	۳	۲	۱	قادرم با کسی که احساساتم را جریحه دار کرده است، مقابله به مثل کنم.	۳۳
۵	۴	۳	۲	۱	از بیان مخالفتم با دیگران اجتناب می کنم، چون ممکن است از من ناراحت شوند.	۳۴

Effectiveness of Eclectic Psychological Rehabilitation Training in Marital Commitment and Communication Skills of Divorcing Couples

Bitā. Aghahī¹, Mohsen. Golparvar^{2*} & Hadi. Farhadi³

Abstract

Aim: This study was conducted to determine the effectiveness of eclectic psychological rehabilitation training in marital commitment and communication skills of divorcing couples. **Methods:** This was a semi-experimental study with a pretest-posttest design with a control group and a two-month follow-up. The statistical population included divorcing couples who referred to divorce counseling centers in Isfahan. From them, 40 couples on the basis of entre criteria were selected in a purposeful way sampling and randomly assigned to experimental and control groups (each group 20 couple). The study tools included the Adams and Jones (1997) marital commitment inventory and the Queendom (2004) communication skills questionnaire. The eclectic psychological rehabilitation training group was trained in ten sessions through a compiled training package. Data were analyzed by repeated-measures ANOVA. **Results:** The results revealed that eclectic psychological rehabilitation training is effective in increasing the level of commitment ($F = 186.70$; $p = 0.001$) and communication skills ($F = 20.56$; $p = 0.001$); and this effectiveness has been stable in the follow-up phase. **Conclusion:** Considering the effectiveness of eclectic psychological rehabilitation training on promoting marital commitment and communication skills of divorcing couples, this integrated training can be used in divorce psychological counseling centers for couples.

Keywords: rehabilitation, psychological training, marital commitment, communication skills, divorcing couples

1. PhD Student, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. ***Corresponding Author:** Associate Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Email: drmgolparvar@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran